

خیلی جالب است که نسبت به مسائل مختلف پیرامونی خودتان شناخت دارید. در فیلم‌های مختلف هم ثابت گردید به لحاظ فنی فیلمسازی می‌توانید آثار جالب‌توجهی بسازید اما چه می‌شود که زبان و لحن دینامیت را برای طرح مسائل امروز جامعه انتخاب می‌کنید؟ لحنی که بیشتر به جنس شوخی‌های اینستاگرامی و زبان اینستاگرامی می‌خورد. احساس نمی‌کنید که دینامیت در پرداخت به مساله اصلی شما خیلی در سطح باقی مانده و عمیق نمی‌شود؟

این را قبول ندارم. ضمن اینکه تعداد این جنس شوخی‌های اینستاگرامی کم است. ضمن اینکه مخاطب هم دوست دارد.

به نظر می‌رسد مخاطب فیلم شما هم جنس سلیقه‌شان اینستاگرامی شده باشد.

اشکالی ندارد اگر از هر جنسی باشد. من زبان خود را شناختم و می‌دانم بچه ۸ساله کنار مادر خود به چه چیزی می‌خندد. اینکه وسط پدر و مادر بنشیند به چه چیزی می‌خندد.

در جنس بازی‌ها هم همین نگاه حداقلی وجود دارد. به نظر می‌رسد که جنس بازی محسن کیایی در فیلم‌های دیگر عمیق‌تر می‌شود و شخصیت می‌بینیم اما اینجا اینچنین نیست.

قرار نیست شخصیت باشد. با تیپ و شخصیت و... مخالف هستم. نقد و بررسی جشنواره‌ای را کنار بگذارید. چون دیگر مردم به رای ۵ نفر داور اهمیت نمی‌دهند که به کدام فیلم جایزه می‌دهند. خود مردم به فیلم جایزه می‌دهند. فیلم دینامیت را الان دو میلیون نفر دیده‌اند و از یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جایزه گرفته است. اما فیلمی که سیمرغ گرفته از ۵ نفر جایزه می‌گیرد. مردم فریب این ۵ نفر را نمی‌خورند، گول منتقد را نمی‌خورند چون منتقدان پولکی شده‌اند و هر چیزی می‌نویسند. من می‌گویم مردم گول نمی‌خورند و همراه مردم جلو می‌روم. فیلم بعدی من ربطی به تگزاس و دینامیت ندارد. یک فرم و ساختار دیگری است.

به نظر شما نمی‌توان فیلمی ساخت که هم بفروش باشد و هم نظر منتقدان و کارشناسان سینما را جلب کند؟
خیر. منتقدانی قدیمی داشتیم که اصالت داشتند و منتقدان فعلی اصالتی ندارند. یک بخش عمده‌ای مسائل مالی را مطرح می‌کنند و حق دارند، چون زندگی خرج دارد.

کسی که فیلم بفروش‌تر می‌سازد، بهتر می‌تواند پول بدهد.

نیاز ندارد. فیلم من نیاز به منتقد ندارد. نیاز به این ندارد که او را جذب کنم. برای چه باید به منتقد باج هم؟ از فیلم من خوشش نیاید.

منتقدی وجود دارد که پول بدهید و درباره دینامیت مثبت بگوید؟
بله. امتحان کردم و وجود دارد.

قدیم این‌طور نبود؟
قدیم هم بود ولی کم بود. فیلم‌هایی که خودبه‌خود گیشه سرد را دارد، نیاز نمی‌بیند که برای منتقدان خرج کند. فیلم کسی که نمی‌فروشد، نیاز دارد منتقد آن دفاع کند. الان مردم به حرف منتقد اعتماد ندارند چون خلاف این را می‌شنوند. مردم می‌گویند جشنواره فجر نظر ۵ داور را نمی‌خرد. به نظر ۱۰ هیات انتخاب بها نمی‌دهد و خود انتخاب می‌کند. دوره جشنواره و جشنواره‌پسندی گذشته است. فکر نکنید جشنواره‌ها در دنیا رونق و تاثیر قبلی را دارند. دوره اینها گذشته است. زمان را درنظر بگیرید.

یعنی جایزه گرفتن مهم نیست؟
خیر.

ممکن است یک یا دو سال دیگر فیلمی بسازید که در جشنواره جایزه بگیرد.

ممکن است اما مردم مهمند. مردم به آن اهمیت نمی‌دهند. فیلم من با جایزه‌ای که ۵ نفر به آن می‌دهند، مردم به آن اعتبار نمی‌دهند بلکه خود مردم جایزه می‌دهند چون فضا باز شده است. می‌توانند اظهارنظر کنند بدون اینکه اسمی بیاورند. به قول شما در اتوبوس کسی درباره دینامیت بد یا خوب گفته است؟ ممکن است بشوم کسی فحش داده یا کسی تعریف کرده. مردم‌نظر می‌دهند، می‌توانید یک میلیون رای داشته باشید یا نداشته باشید.

با این تعریفی که از مردم و سینما دارید همچنان دینامیت می‌سازید و...

خیر. من برای جشنواره هم فیلم می‌سازم. سعی می‌کنم فیلمی بسازم که نظر هیات انتخابی را جذب کند، سعی می‌کنم فیلمی بسازم تا هیات داوران قبول کند اما اگر دنبال مردم هستید مردم آن اعتبار را نمی‌دهند. می‌گویند ۵ داور کارشناس انتخاب‌شده‌توسط گروهی با یک‌هدفی، به‌فیلمی رای دادند و جایزه کن یا سیمرغ را گرفته است، اعتبار این به‌اندازه اعتبار نظر خود آنها نیست. می‌گویند فلان فیلم جایزه کن را گرفته و مردم می‌بینند و می‌گویند چرت بوده است و بی‌خود دیدیم، گول ۵ داور جشنواره کن را خوردیم و بلیت خریدیم و دیدیم، چرت و پرت بود. فیلم تله‌فیلم بود، ضعیف بود و محتوا نداشت. مردم خود انتخاب می‌کنند.

فیلم خماری (The Hangover) را دیده‌اید؟
دیدهام.

سکانس پایانی دینامیت از این فیلم گرفته شده است.
من خماری یا هنگ‌اور را بعد از آن دیدم.

یعنی ایده از خود شما بود؟
ربطی به آن ندارد. سکانس آخر سانسور شده است. این دو نفر که کیایی را تحویل پلیس می‌دهند سر موسیقی با هم بحث می‌کنند و یکی از دخترها می‌گوید اگر نمی‌خواهید موسیقی گوش کنید این ماشین من است و پیاده شوید، پیاده می‌شوند و ۵۰ سگ به آنها حمله می‌کنند و پژمان جمشیدی می‌بیند جای فرار نیست و سوار می‌شوند و دختر به او می‌گوید چرا برگشتید، می‌گوید غیرت ما اجازه نمی‌دهد شما را در بیابان رها کنیم، به شرطی که موسیقی دیگری بگذارید. تیکه وسط درآمده است.

معیار این حذف و سانسورها چیست؟ حضور مهدی فقیه چه مشکلی داشت که حذف کردند؟
می‌خواستند فیلم را از نظر محتوا خالی کنند. بگویند فقط سرگرم کننده است. آن شورا غرض نداشت، مرض داشت. البته همه اعضا منظور نیست؛ آن تعداد که خود را به جاهایی وصل می‌کردند و زور می‌گفتند که بی‌خود و دروغی بود و اصلا هم وصل نبودند.

ما در این بخش‌هایی که حذف شد، سکانس‌هایی داریم که آقای فقیه به اینها می‌گوید جای دیگری درس بخوانید، چون با این روش نمی‌توانید کسی را هادی شوید. حاج‌آقای رسولی (با بازی مهدی فقیه)، روحانی‌نورانی‌تری است که فهم بالاتری دارد. وسط فیلم دوباره وقتی شراب را امحا می‌کنند، نصیحت دیگری می‌کند که آب‌روی افراد را بردن و در فضای مجازی گذاشتن درست نبود. آنجا که روی پشت‌بام گل را پنهان می‌کنند در دست حاج‌آقا تسبیح بود و این را روی دست گذاشته و تکرار می‌شود هم خنده‌دار و جذاب است و می‌گوید امحا کردن اینها راه و روش دارد. کاری که با خود کردید محصول بدی است و چرا باید مورد تمسخر باشید. آنها می‌گویند باید ساکت بنشینیم؟ می‌گوید نباید ساکت نشست، مومن نباید ساکت بنشیند، مومن باید نسبت به اتفاقات اطراف حساس باشد اما راه دارد حتی فرهاد با تیشه آرام‌آرام بیستون را تراشید. چرا عبوس و تیره هستید؟ مومن باید شفاف و نورانی باشد.

بودن این سکانس‌ها باعث می‌شد خلا‌ها و سوال‌ها بر شوند، یعنی ما در فیلم انگار طرح مبحث را می‌بینیم ولی شما درواقع نسخه هم دارید و حاج‌آقا راهکار هم می‌دهد.

به آقای نیرومند - که مشاور وزیر شد- گفتم این ممیزی فیلم دینامیت را درون خود نقد کنید و پنج‌سکانس را ببینید و نوع ممیزی خود را نقد کنید. به‌نقد بنشینید که چرا این پنج‌سکانس حذف شده و چرا سکانس‌های دیگری حذف نشده است؟ ممکن است هر دوی بی دلیل باشد و از نظر من دینامیت سکانسی نداشت که حذف شود.

فیلم طولانی نمی‌شد؟
خیر، چون جذاب بود تماشا می‌کردید.

یعنی میل خود شما نبود که کوتاه‌تر شود؟
خیر، شاید در جاهای دیگر می‌توانستند حذف کنند و جاهایی مجبور شدیم طولانی‌تر کنیم که زمان خوب شود.

مثل نماهای خیابان و موزیک گذاشتن‌ها که برای طولانی کردن مدت فیلم بود.

بله، ریتم هم بهتر می‌شود. نقد ممیزی بد نیست و یک روزی ممیزی‌ها را دوت و نقد کنید. من سرکار خود بسیار ممیزی هستم.

با تلویزیون کار می‌کنید؟
با تلویزیون کار می‌کنم. من خود را محدود نمی‌کنم که با شما امروز دعوا کنم یا خیر.

با تغییر و تحولاتی که ایجادشده منظور است؟
کار می‌کنم، البته اگر پیش بیاید. تهیه‌کننده تلویزیون به من مراجعه می‌کند و می‌گویم اگر سریال کم‌دی به من می‌دهید دستمزد را اندازه بیرون می‌گیرم.

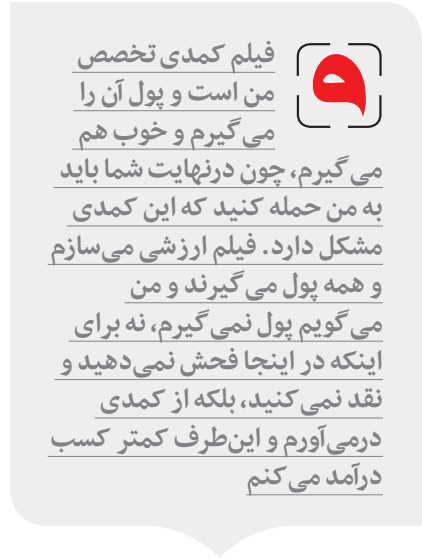
شرط شما مالی است، ممیزی نیست؟
خیر، اگر سریال دفاع مقدس یا حادثه‌ای امنیتی درست و اجتماعی خوب بدهید، دستمزد اصلا برای من اهمیت ندارد، کما اینکه درخصوص ماه‌گرفتگی دستمزد نگرفتم و درآمدی برای من نداشت. برای صبح روز هفتم پولی که از جیب گذاشتم یک ریال برگشته است، نه تنها دستمزد نگرفتم پول از جیب گذاشتم و پولی هم برگشته است، چون اعتقاد داشتم کاری برای نماز می‌خواهم انجام دهم.

اتفاقا بیشتر در مورد این جنس فیلم‌ها می‌گویند که سفارشی‌ساز شده‌اید و کارگردان برای پول این فیلم را ساخته است.

من نگرفتم. برای فیلم تک‌تیرانداز، ابراهیم اصغری تهیه‌کننده به من زنگ زد. اسم اولش شکارشکارچی بود و قصه شهید برزین را خوانده و گفته بودم که جذاب است و فقط باید مراقبت کرد. گفتم مراقبت کنید از این شخصیتی قاتل درنیاید، چون ۷۰۰ نفر را کشته است و وجه شخصیتی او قاتل نیست و مدافع است. استراتژی جنگ می‌طلبد تک‌تیرانداز داشته باشیم و دشمن هم دارد اما باید مراقب

فرهنگ

باشیم چه تعریفی از کشتن آدم‌ها به او می‌دهیم. گفتند دستمزد چقدر؟ گفتم برآورد شما چقدر است؟ نهایت گفتند ۴۰۰ و من قبول کردم کار کنم. به من ندادند اما کارگردان بعدی نزدیک به یک‌میلیارد دستمزد پیشنهاد داد. اهمیت نداشت که به من بدهند یا خیر. کار خوبی شد و آقای غفاری ساخت و موفق شد.



متوجه نشدید چرا به شما ندادند؟

مخالف بودند. می‌دانسم هیات‌مدیره جایی مخالفت کرده بود. من ناراحت نیستم و ایرادی ندارم. وظیفه‌ام بود که بگیرم مجانی هم حاضر هستم کار کنم. الان هم می‌گویم، به تلویزیون هم گفته‌ام. فیلم کم‌دی تخصص من است و پول آن را می‌گیرم و خوب هم می‌گیرم، چون در نهایت شما باید به من حمله کنید که این کم‌دی مشکل دارد. فیلم ارزشی می‌سازم و همه پول می‌گیرند و من می‌گویم پول نمی‌گیرم، نه برای اینکه در اینجا فحش نمی‌دهید و نقد نمی‌کنید، بلکه از کم‌دی درمی‌آورم و این طرف کمتر کسب درآمد می‌کنم. من نمی‌خواهم از بیت‌المال پول دربیاورم. تاکنون از فارابی پول نگرفتم، دو جایی که برای من خرج کردند یکی خاک و مرجان بود که به‌اندازه رایت تلویزیون ۱۰۰ تومان بود و بقیه را خرج کردم. فیلم صبح روز هفتم از خودم هزینه کردم و هیچی برگشت. برای ماه‌گرفتگی هم گفتند درصدی از درآمد فیلم برای شماست و چون درآمدی نداشت تا الان چیزی گیر ما نیامده و از جیب هم خرج کردیم. برآورد یک‌میلیارد و ۱۰۰ بود و بعدا ۲۰۰ اضافه و یک‌میلیارد و ۳۰۰ هزینه فیلم شد و یک‌سری دستمزد بابت ناظر و... دادیم که از برآورد کم می‌شد. ماه‌گرفتگی را با سه‌بار پیش تولید کار کردم.

چرا ماه‌گرفتگی اکران نشد؟
باید از دوستان پرسید اما ممکن است سال بعد اکران شود.

فیلم جدید شما هم اکران می‌شود؟
هنوز نساختم، در تب‌وتابش هستم.

نظر شما درباره صحبت‌هایی که در کمبسیون فرهنگی مجلس می‌شود، چیست؟ اینکه گفتند ۳۰ فیلم مساله‌دار در دولت مجوز نمایش گرفته‌اند و اگر این فیلم‌ها اکران شوند وزیر را احضار می‌کنیم.

به‌نظر من برخی از نماینده‌ها اشتباه به مجلس می‌روند، نه ایدئولوژی و نه درک دارند و فقط می‌خواهند نماینده مجلس باشند. حرف‌های ایشان ارتباطی به فرهنگ ندارد. این جمله که باید فیلم‌های دوره قبل دیده شود اساسا غلط است. اگر دولت جمهوری اسلامی است و آرم جمهوری اسلامی بالای مجوزهاست، تا وقتی امضا دارد باید احترام این آرم حفظ شود. اگر دولت‌ها معنی دیگری دارد باید هر دولت پرچم خود را بالای مجوزها بزند. تا زمانی که پرچم اعتبار دارد مجوز هم اعتبار دارد. دولت ما با آرم جمهوری اسلامی مجوز نمایش می‌گیرد، نه آرم آقای روحانی و دولت ایشان! آرم جومونگ نیست که بگوییم این عوض شده است. آرم جمهوری اسلامی است و در همه دولت‌ها استفاده می‌شود. مطرح کردن این مساله زیرسوال بردن اعتبار جمهوری اسلامی است، مگر اینکه عمدی نباشد. شما بگویید هیچ‌مجوزی در جمهوری اسلامی اعتبار ندارد و مهر جمهوری اسلامی اعتبار ندارد، به این مفهوم نگاه نکنید. این مفهوم خطرناک است. یکی، دوفر به من زنگ زدند که سینما نمی‌روند و فیلم نمی‌بینند، گفتند واقعا مجوز نمایش فیلم را دادند و بعد باطل کردند؟ برداشت او این بود که مجوز جمهوری اسلامی بی اعتبار است. این بی اعتبار کردن نظام است. فکر کنید پروانه نمایش فیلم‌ها زیرسوال برود و مجوز فلان کارخانه زیرسوال برود، مجوز فلان واردات زیرسوال برود، مجوز فلان دارو زیرسوال برود، چون دولت عوض شده است، در نتیجه همه مجوزهای کشور زیرسوال است. مجوز با آرم جمهوری اسلامی مجوز است، بد یا خوب است باید انجام شود، مگر اینکه من به‌عنوان فیلمساز تقاضا کنم. ممکن است فیلم من در دوره آقای روحانی پروانه نمایش گرفتم و سانسور بی‌خودی خورده و زنگ بزمن و بگویم حق من را برگردانید، حال که دولت عوض شده است و دوباره بررسی کنید. برای احقاق حق من درست است و لاغیر درست نیست.

به نظر شما کمبسیون فرهنگی چطور می‌تواند به فرهنگ کمک کند؟

تا الان کمک کرده است؟ مگر قرار است کمک کند؟ بهترین کار این است که دخالت نکنند و این بهترین کمک است. وقتی وزیر را می‌ترسانید و تهدید می‌کنید ضربه بدی است. آقای نوباوه مورد احترام ماست ولی حرف‌های ایشان مورد

احترام نیست، رفتار ضد نظام جمهوری اسلامی است، نه ضد هنر! بررسی ۳۰ فیلم مجوزدار ضد نظام حرف زدن است.

به نظر می‌رسد این جنس اظهار نظر بیش از آنکه فرهنگی باشد، انگیزه سیاسی داشته باشد؟

باید مواخذہ کنید که چرا این حرف را بیان می‌کنید. نماینده‌ای که درباره موسیقی گفتم همین‌طور است. اگر عذرخواهی کرده یا نکرده به ما ربطی ندارد. لباس روحانیت را زیرسوال برده. شما با ابزار مشکل دارید. فرض کنید من با جشنواره کن مشکل دارم و جشنواره معتبری نمی‌دانم، چون مولفه‌های انتخاب‌ها معتبر نیست ولی ما همواره به آن اعتبار می‌دهیم. این تنها نظر من است. اینکه این نظر را حاکم کنم درست نیست. یک فیلمسازی کن را دوست دارد و فیلم خوبی دارد و در کن پذیرفته می‌شود. من کن را دیدم و بی اعتبار می‌دانم و انتخاب‌ها درست نیست، برنده‌های ایرانی و خارجی درست نیست و نه فیلم‌ها قابل است. فیلم‌هایی بیرون از کن است که خیلی بهتر است، حتی اسکار هم همین‌طور است. بهترین فیلم‌های دنیا هیچ یک اسکار ندارند. اتفاقا فیلم‌هایی که اسکار دارند فیلم‌های قابلی نیستند، هم ضعیف هستند و هم قابل نیستند. فیلم‌های خارج از اسکار قوی‌تر هستند. اسکار به فیلم خوب جایزه نمی‌دهد، هیچ فیلم اسکار گرفته‌ای خوب نیست. بهترین فیلم در اسکار نبوده است و بهترین فیلم‌ها بیرون از اسکار بودند.

زوج‌سازی در سینمای کم‌دی، یکی از امتحان پس داده‌ترین فرم‌های کم‌دی در جهان است. فرمولی که به نظر می‌رسد در فیلم‌های کم‌دی تان به کار می‌برید. در تگزاس بود و اینجا هم داریم. سه‌ضلعی و پنج‌ضلعی می‌کنید. این جنس به کارگیری بازیگر مداوم دارد؟

خیر، فرمول رای من متنوع است. بین مردم بگردید به فرمول می‌رسید. مردم خیلی خوب به آدم می‌گویند چطور است. مردم را در خیابان تماشا کنید، دوفر که با هم دعوا می‌کنند و دیالوگ‌هایی که بیان می‌کنند، موضوع مورد دعوا، زمان عصیانیت و... برای شما مشخص می‌شود.

باب دل مردم ساختن باعث نمی‌شود کارگردان عقب‌تر از مردم حرکت کند؟

اشکالی ندارد. من به مردم احترام می‌گذارم حتی اگر آنها از ما جلوتر باشند. یکی از فرمول‌های ساخت کم‌دی این است که در هر داستانی -که می‌خواهید موقعیت کم‌دی ایجاد کنید- مخاطب را بشناسید و آگاه به موقعیت باشید و قهرمان را از مخاطب عقب بیندازید، یعنی به مخاطب بگویید اینجا که راه می‌رود زیرپای او موز است. آگاه کنید که مخاطب بداند و قهرمان نداند، بیشتر تاثیر دارد.

خروجی این در دینامیت می‌شود داستان‌های جزیره‌ای. جزیره‌ها همین چیزی است که می‌خواهید؟

بله، ممکن است من به‌اندازه مردم دانش داشته باشم ولی در ساختار کاری خود سعی می‌کنم دوربین را جایی بگذارم که مخاطب می‌داند آنجا درست است. از من زودتر می‌داند دوربین جای درستی است.

در دینامیت کامنت‌ها جذاب است و خیلی هم خنده‌دار است ولی فرصت نمی‌شود همه کامنت‌ها را خواند.

مردم به کامنت‌ها آگاه هستند. زود می‌گیرند که چیست، همان بحث‌های کامنت‌ها و زودگذر بودن آن اگر بخواهم معطل کنم درنی‌آید. همان قسمت و با یک واژه بقیه کلام را متوجه می‌شوید. وقتی در متن می‌خوانید برخی مواقع تند می‌خوانید واژه‌ها را نخوانده می‌فهمید. در سینما هم این‌طور است.

اما خروجی یک اثر چهل تکه می‌شود.
مشکلی ندارد.

تعریف فیلم سینمایی همین می‌شود و چهل تکه بودنش مشکلی ندارد؟
تعریف من اینچنین است و از نظر من مشکلی ندارد.

سکانس‌هایی از دینامیت را که حذف شده دوست دارم، ببینم. نیم ساعت از فیلم شما سانسور شده ولی باز نمایش دادید، یعنی نخ تسبیح نداشته که اینها را به هم وصل کند؟

نخ تسبیح نداشته باشد که پاره‌پاره می‌شود. هربار که سانسور می‌شد بعد نسخه می‌دادم. شورا می‌گفت آن صحنه درآمدۀ ولی فیلم همان است. در فیلم من لباس طلبگی و روحانی آویزان است و همه درآمده است. عمامه طلبه‌ها که با کامپیوتر کار می‌کنند، با کامپیوتر برداشته شده است و همه عمامه دارند.

درباره این پشت‌صحنه یک فیلم می‌توان ساخت.
دوست ندارم از پشت‌صحنه فیلمی بسازم و پخش

کنم. اعتقادی به نمایش پشت‌صحنه ندارم، مگر اینکه تکنیک‌های خاصی نمایش داده شود و الا اعتقاد ندارم مردم باید از پشت‌صحنه فیلم خبر داشته باشند، بعد فیلم را با لذت نمی‌بینند. پشت‌صحنه جایی که تکنیک خاصی به کار ببرید برای آموزش نمایش دهید یا برای اینکه مخاطب بداند این صحنه را چطور ساخته‌اید. پشت‌صحنه‌هایی که نشان می‌دهد دوربین حرکت، بازیگر دو تپق می‌زند پشت‌صحنه نیست و من اعتقادی ندارم. تهیه‌کننده اجبار می‌کند ولی من اعتقادی ندارم. اصلا دوست ندارم کسی بداند من پشت‌صحنه چه کار می‌کنم، مگر جلوه‌های بصری تکنیک خاصی باشد که نمایش دهیم. این پشت‌صحنه را دوست دارم که آموزشی باشد یا دکوراتور من کار خلاقانه کرده باشد که متفاوت است را نمایش دهیم. مگر خیاط نشان می‌دهد چطور خیاطی می‌کند؟ شغل من فیلمسازی است. کار خاصی را می‌توان نشان داد.

انتخاب‌تان برای این پنج شخصیت اصلی همین بازیگران بودند؟

خیر، انتخاب بازیگر سخت است. مگر می‌شود اول همه ایده‌آل‌ها را انتخاب کنید؟ نمی‌شود. یکی بیکار است و دیگری سرکار، ترکیب مختلف دیدیم تا به این نتیجه رسیدیم.

این اطلاعات که محرمانه نیست.

نه، فکر کنم برای یکی از نقش‌ها با آقای رادان صحبت کردیم، تا نقش دیگری جور شود او سرکار دیگری رفت و نشد و با یکی توافق مالی نکردیم. از حمید فرخ نژاد تا پژمان و... کانیددا داشتیم و در مورد همه بحث کردیم. آزاده صمدی مدنظر ما بود که قبول نکرد یا دلیل دیگری داشت که به یساد ندارم. نازنین بیاتی آمد و همه گفتند قیافه وی به نقش نمی‌خورد. خودش می‌گفت من می‌توانم هرچند چالش است و ما امتحان کردیم و توانست و خوب هم بازی کرد.

فقط کیایی ثابت بود؟
خیر، اتفاقا آقای کیایی از همه دیرتر آمد. فیلمبرداری ما شروع شد و هنوز انتخاب نکرده بودیم. در ترکیه بود.

آن زمان سر فیلم مطرب بود.

نمی‌دانم سر چه کاری بود ولی از دور توافق شد و کار را شروع کردیم. مجبور شدم یکی، دو صحنه حذف کنم تا برسد و بدون او کار را ادامه دادیم. برای او صبر کردیم. آقای کیایی و حضورش ارزشمند بود که صبر کردیم و رفتیم و آمدمیم و لوکیشن را حفظ کردیم چند روز بدون اینکه کار کنیم تا او برسد. بنده خدا از ترکیه رسید بدون استراحت گرم شد و لباس پوشید و جلوی دوربین رفت. کل فرآیند ساخت دینامیت از قوانین ساخت و تحویل به پروانه‌ها ۵۱ روز زمان برد.

خروس جنگی ۲ قرار است چه زمانی شروع شود؟
فیلمنامه خروس جنگی ۲ نوشته شده و اتفاقا فیلمنامه خوبی است. فکر کنم به‌زودی در برنامه کاری خود بگذارم و یکی از برنامه‌های کاری من است و فکر می‌کنم این نسخه بتواند از نظر فروش و تعداد مخاطب رکورد جالب‌توجهی را داشته باشد. این اتفاق می‌افتد، چون نوشتن آن تحت نظر من بود و کارها انجام شده است و به آن اطمینان دارم و از لحاظ جذب دو گروه مخاطب مردم عادی و حتی آنها‌یی که کار جشنواره‌ای دوست دارند، موفق است و این دو گروه را جذب می‌کند.

